



## جریان اتحاد البسه در اصفهان

پدیدآورده (ها) : سید بنکدار، سید مسعود  
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: زمستان 1386 - شماره 68  
از 39 تا 46  
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/397687>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی  
تاریخ دانلود : 25/07/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.





## جریان اتحاد البسه در اصفهان

◆ سید مسعود سید بنکدار\*

masoudbonakdar@yahoo.com

### چکیده

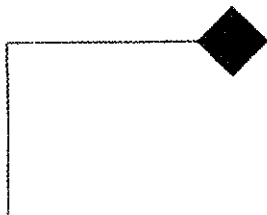
اجرای قانون متحدالشکل سازی البسه مصوب سال ۱۳۰۶ ش. / ۱۹۲۸ م. در شهر اصفهان، موجب واکنشهای متفاوت اقشار مختلف مردم این شهر شد. دسته‌ای از تجار از این جریان استقبال کردند و گروهی دیگر از جمله صنف عباپاف - که از اجرای این قانون زیان می‌دیدند - در صف مخالفان طرح قرار گرفتند. روحانیون، مهم‌ترین مخالفان اجرای طرح بودند. زیرا با اجرای این برنامه، دولت می‌توانست بر فشارهای وارده خود بر آنها بیفزاید. در این مقاله - علاوه بر آنچه شرح آن در بالا آمد - به اقشار مستثنا از مقررات این قانون و نیز تغییرات الگوی لباس متحدالشکل نیز اشاره می‌شود.

### کلید واژه‌ها:

اصفهان، رضا پهلوی، شاه ایران، ۱۲۵۷-۱۳۲۳، لباسهای ملی، دوره پهلوی، روحانیان، عباپافان، بازرگانان، بازتابهای تحولات اجتماعی.

\*\*\*

\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران دانشگاه اصفهان.



## درآمد

در دوره اول سلطنت رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۱۳ش. / ۱۹۲۵-۱۹۳۴م.) در راستای حرکت‌هایی که با نگاه به اروپا و غرب شکل گرفته بود، زمینه تغییر لباس و متحدالشکل سازی البسه فراهم شد. ابتدا کارمندان دولت و سپس تمام اقشار جامعه شهری موظف شدند کلاه پهلوی بر سر بگذارند و از الگوی لباس اروپائی استفاده کنند.

بر طبق مصوبه هیئت وزیران در تاریخ ۴ مهر ۱۳۰۷ش. / ۲۸ سپتامبر ۱۹۲۸م، عموم مستخدمان دولتی، بلدی، معلمان و محصلان مدارس جدید، می‌بایست ملبس به نیم‌تنه و کلاه پهلوی می‌شدند. اجرای این مصوبه، برعهده وزیران و رؤسای ادارات مربوطه گذاشته شده بود. به دنبال این مصوبه، در تاریخ ۱۰ دی ۱۳۰۷ش. / ۳۱ دسامبر ۱۹۲۸م. جزئیات این قانون نیز تصویب و منتشر شد. براساس این قانون، کلیه اتباع ذکور ایران - که برحسب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوص بودند - موظف به پوشیدن لباس متحدالشکل شدند. آن دسته از کارمندان اداری و قضائی هم که لباس مخصوص منصب خود را داشتند و می‌بایست در موقع کار ملبس به آن لباس می‌شدند، در غیر آن مواقع می‌بایست لباس متحدالشکل می‌پوشیدند.<sup>۱</sup>

طبقات هشتگانه زیر، از مقررات این قانون مستثنا بودند:

- ۱- مجتهدین مجاز از مراجع تقلید مسلم که اشتغال به امور روحانی داشته باشند؛
- ۲- مراجع امور شرعی دهات و قصبات، پس از برآمدن از عهده امتحان معینه؛
- ۳- مفتیان اهل سنت و جماعت که از طرف دو نفر از مفتیان مسلم اهل سنت اجازه فتوا داشته باشند؛
- ۴- پیشنمازان دارای محراب؛
- ۵- محدثین که از طرف دو نفر [از] مجتهدین

مجاز، اجازه روایت داشته باشند؛

- ۶- طلاب مشتغلین به فقه و اصول که در درجه خود از عهده امتحان برآیند؛
  - ۷- مدرسین فقه و اصول و حکمت الهی؛
  - ۸- روحانیون ایرانیان غیرمسلم.<sup>۲</sup>
- براساس ماده سوم این قانون، مجازات افرادی که از این قانون سرپیچی می‌کردند، اگر ساکن شهر بودند، به حبس از یک تا هفت روز و یا به جزای نقدی از یک تا پنج تومان محکوم می‌شدند و چنانچه شهرنشین نمی‌بودند، به حبس از یک تا هفت روز محکوم می‌شدند. وجوه جرائم مأخوذه از اجرای این ماده را بلدیة آنجا در هر محل به تهیه لباس متحدالشکل برای فقراي آن محل اختصاص می‌داد. این قانون، در شهرها و قصبات از اول فروردین ۱۳۰۸ش. / ۲۱ مارس ۱۹۲۹م. و خارج از شهرها تا پیش از فروردین ۱۳۰۹ش. / ۱۹۳۰م. می‌بایست به اجرا گذاشته می‌شد.<sup>۳</sup>

## لباس متحدالشکل

این لباس که موسوم به لباس پهلوی بود، عبارت بود از کلاه پهلوی (بدون علامتهای ممیزه و در هر رنگی بجز رنگهای زننده) و اقسام لباس کوتاه اعم از نیم‌تنه (یقه عربی یا یقه برگردان) و پیراهن و شلوار اعم از بلند یا کوتاه یا مچ پیچدار. استفاده از پالتو و بالاپوشهای دیگر برای محفوظ ماندن از سرما، مانعی نداشت. شوفرها، آهنگران، مکانیکها و شکارچیان نیز در استفاده از کلاه مخصوص به خود در موقع اشتغال و کارگران در استفاده از پیراهن بلند و آویختن پیش‌بند، آزاد بودند.<sup>۴</sup>

## لباس متحدالشکل در اصفهان

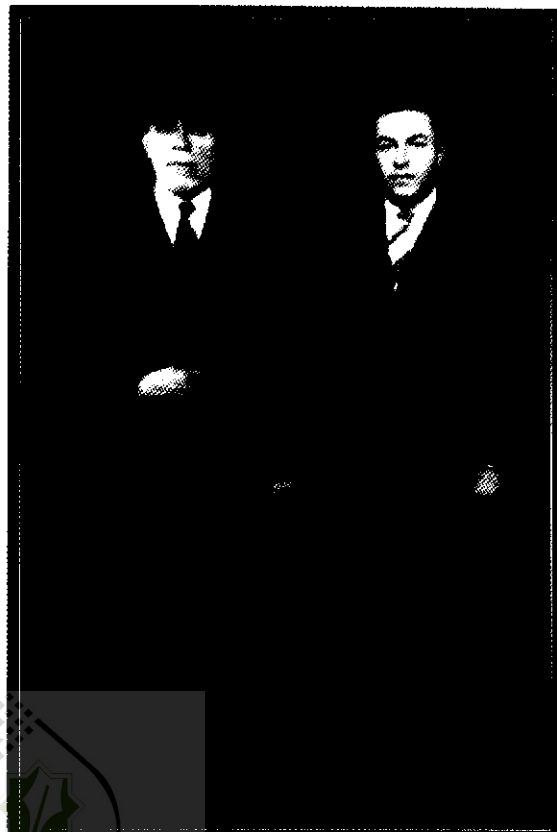
در اصفهان پیش از اعمال قانون متحدالشکل سازی البسه، بخشنامه‌ای در مورد متحدالشکل ساختن البسه مأموران و مستخدمان دولتی در سال ۱۳۰۶ش. /



لباس مردان اصفهان قبل از اتحاد البسه

مقررات، سوءاستفاده‌ها می‌کردند.<sup>۶</sup> همچنین بیان شده بود که اقلیتهای مذهبی و اتباع خارجهٔ مقیم شهر اصفهان، از رعایت این قانون مستثنا هستند.<sup>۷</sup> شهروندانی که از اجرای این قانون سر باز می‌زدند، به جریمه‌های نقدی و

صادر شده بود،<sup>۵</sup> اما قانون متحدالشکل کردن البسه و بخشنامه‌های آن، در سال ۱۳۰۷ ش./م. ۱۹۲۸ در اصفهان به اجرا گذاشته شد. در این بخشنامه، بر لزوم برخورد عاقلانه و متین با مردم تأکید شده بود. اما مأموران در زمینهٔ اجرای این



همان افراد در لباس متحدالشکل

اجباری شد و متخلفان، به هنگام تنظیم سیاهه حقوق جریمه می‌شدند و مبلغ جریمه از حقوقشان کسر می‌گردید.<sup>۱۲</sup>

اجرای قانون متحدالشکل سازی البسه در اصفهان، موجب شد تا مواردی همچون کلاه‌دوزی خارج از الگوهای مجاز، عبابافی و نمدمالی از عرصه اصناف اصفهان حذف گردد.

در مقابله با این قانون، صنف عباباف اصفهان، در شکایتی به رضاشاه چنین نوشت: «این جان نثاران صنف بافنده و ریسنده و کسبه، نظر به آسایش جانی و ناموسی که از برکات همت خسروانه در امنیت و نشر عدالت و رعیت‌پروری یافته‌ایم، بواقع شاهپرست هستیم و از جان خود و اولاد و مال فدائی شده‌ایم و در حدود عراق عجم از شهری و بیرونی، قریب یک کرور خرد و بزرگ از شغل بافندگی و تجارت و کسب عبا زندگانی می‌کردیم. حال در این قانون اتحاد شکل - اگرچه رسماً عبابافی را منع نکرده‌اند - اما اجازت صریحه نیز در استثنای عبا نداده‌اند و پوشیدن عبا روی لباس متحدالشکل نیز منافی با کلاه و لباس نیست و حافظ و جلوه‌دهنده آن لباس هم هست که از آلودگی و کهنگی، آن البسه را محفوظ می‌دارد و عموم را هم که محتاج به سر از نقل حوائج خود هستند، بهتر راغب به پوشیدن لباس متحدالشکل می‌نماید... اگر عبابافی موقوف گردد، تمام این جماعت کسبه پریشان و گدا و اراذلشان از شدت فقر به فساد اخلاقی دزدان مانند و اختلاس اموال و تمایل به اخلاق و اعمال فاسده، خدای نکرده متوجه شده و خود و نژادشان ننگ ایرانی خواهند شد...»<sup>۱۳</sup>

در پاسخ این درخواست، جوابیه‌ای از دفتر مخصوص شاهنشاهی صادر شد. در آن جوابیه آمده بود: «در جواب عریضه [ای] که به خاک پای اقدس همایونی - ارواحنا فداه - تقدیم داشته‌اید که کسب شما با واسطه متحدالشکل شدن البسه از رونق افتاده

جنسی محکوم می‌شدند. این جریمه‌ها را، شهرداری اصفهان از متخلفان دریافت می‌کرد.<sup>۸</sup> همین‌طور مأموران شهرداری، تاجران و بازرگانهای فروشنده البسه ممنوعه را در اصفهان مجازات و جریمه می‌کردند.<sup>۹</sup> برای رعایت و اجرای دقیق‌تر این قانون، حکومت اصفهان نیز از کاروانسراها و حمامهای شهر تعهد گرفت و آنان را موظف کرد از خدمات‌دهی به افراد متمرّد از قانون خودداری کنند.<sup>۱۱</sup>

در سالهای بعد (۱۳۰۹ ش./ ۱۹۳۰ م.) بخشنامه‌هایی از وزارت داخله به حکومت اصفهان ارسال شد که در آنها به مستخدمان دولتی تأکید و تکلیف شده بود که در تدارک و تهیه لباسهای متحدالشکل خود، از پارچه‌های ایرانی استفاده کنند.<sup>۱۱</sup> سال بعد، استفاده کارکنان دولتی از البسه وطنی

است، اشعار می‌شود که برای اعاده مرغوبی امتعه خود، پارچه [ای] ببافید که به کار لباس معمولی بخورد. وانگهی، عبا برای زمستان و حفظ از سرما ممنوع نیست...»<sup>۱۶</sup>

البته در میان بعضی از تجار و اصناف اصفهان، گروههایی نیز بودند که از جریان اتحاد شکل لباس استقبال کردند و جشنهایی بدین منظور برپا ساختند.<sup>۱۵</sup> به عنوان نمونه در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۰۷ش. / ۵ نوامبر ۱۹۲۸م.، گروهی از تجار، مجلس جشنی به مناسبت استفاده از کلاه پهلوی، در یکی از مدارس اصفهان برگزار کردند. در آن مجلس، بازرگانان و تجاری همچون معین‌التجار، سیدکسائی، حاجی سیدعبدالرحیم قزوینی، حاجی محمدکاظم مثقالی، صدر انارکی، ناظم‌التجار، حاجی میرزا زین‌العابدین امین، میرزا غلامحسین بانکی، حاجی محمدحسین کازرونی، میرزا محمود بنکدار و چند نفر از تجار دیگر و دلایلی تریاک - که همگی کلاه پهلوی بر سر گذاشته بودند - حضور داشتند. اولین کسی که در آن مجلس کلاه پهلوی را بر سر گذاشت، سیدکسائی بود. وی سپس اظهار داشت: «... فی الحقیقه، باید تشکرات صمیمانه خود را از شخص اعلیحضرت فوق‌العاده بداریم، از اینکه همگی متحدالشکل می‌شویم؛ و من این کلاه را با کمال افتخار به سر می‌گذارم که آقایان و دیگران همچنین افتخار کنند و به سر بگذارند.»

پس از وی، اعتمادالتجار به ایراد نطقی مبنی بر تمجید از قانون اتحاد شکل لباس پرداخت و در پایان افزود: «امید دارم که آقایان تجار و اهالی بازار، تا هفته آتی تمام کلاه پهلوی بر سر بگذارند.» پیش‌تر تجار بجز حاج معین‌التجار، صدر انارکی و سیدعبدالرحیم قزوینی، در این مجلس کلاه پهلوی بر سر گذاشتند. در پایان مراسم تصمیم گرفته شد که شب جمعه آینده، مجلس مشابهی در منزل اعتمادالتجار و یا کازرونی برگزار گردد و مابقی به

کلاه پهلوی و لباس کت و شلوار ملبس شوند.<sup>۱۶</sup> البته، استفاده از این کلاه برای بخشی از مردم آزاردهنده بود. یکی از شهروندان اصفهانی در این زمینه، در خاطرات خود نوشته است: «یادم می‌آید که پدرم آن روز اولی که کلاه پهلوی می‌خواستند سرشان بگذارند و از خانه بیرون بروند، خیلی برایشان مشکل بود. جلوی آینه ایستاده بودند و هی این کلاه را می‌گذاشتند روی سرشان و هی ناراحت می‌شدند و آن را برمی‌داشتند. کت و شلوار پوشیده بودند و کلاه پهلوی سرشان گذارده بودند. در خانه بیش از بیست بار می‌رفتند و دوباره برمی‌گشتند. رویشان نمی‌شد که با این لباس از خانه بیرون بروند. اما چاره‌ای هم نداشتند، می‌بایستی حتماً کلاه پهلوی را سرشان می‌گذاشتند.»<sup>۱۷</sup>

در سال ۱۳۱۰ش. / ۱۹۳۱م.، گزارشی مبنی بر اتمام عمل تغییر لباس در اصفهان و توابع، تهیه و دستور لزوم جلوگیری از برگشتن مردم به لباسهای قدیمی صادر گردید.<sup>۱۸</sup> هرمان نوردن، سیاح و جهانگردی که اصفهان را هم پیش از اجرای قانون متحدالشکل سازی البسه و هم پس از آن دیده بود، از نگاه گردشگری غربی، در این باره نوشته است: «... مردمی که در خیابان قدم می‌زدند، اکثراً خوش لباس بودند و با آنچه که من در چندماه گذشته دیده بودم، فرق بسیار داشتند. حتی سه دختر جوان را با لباس کاملاً اروپائی دیدم. دیگر لازم بود قبول کنم که از بیابان و صحرا گذشته و به شهر آمده‌ام.»<sup>۱۹</sup>

اما با این وجود، هنوز در سالهای بعد شاهد تغییرات و تلاشهایی برای اجرای قانون متحدالشکل کردن البسه و جمع البسه و کلاههای محلی بویژه در سال ۱۳۱۴ش. / ۱۹۳۵م. هستیم. در آن سال، جریان استفاده از کلاه بین‌المللی (لبه‌دار) به جای کلاه پهلوی پیش آمد. براساس آنچه از مطالب روزنامه‌ها و اسناد بازمانده مستفاد می‌شود، این تغییر با استقبال بیش‌تری مواجه شد. به طوری که به علت استقبال از

کلاه بین‌المللی، در بعضی مواقع آنقدر در دکانهای کلاه‌فروشی ازدحام جمعیت می‌شد که راه عبور و مرور بند می‌آمد و در خیابانها کم‌تر کسی دیده می‌شد که کلاه پهلوی داشته باشد.<sup>۲۰</sup>

نتیجه این اشتیاق برای خرید کلاه جدید، افزایش قیمت آن از چهار تومان به دوازده و شانزده و حتی ۱۸ تومان بود. بدین سبب، حاکم اصفهان مجبور شد چند نفر کلاه‌دوز از خارج اصفهان احضار کند و دستور تهیه کلاههای وطنی را به آنها بدهد.<sup>۲۱</sup> استفاده از کلاه بین‌المللی هم، مانند کلاه پهلوی همراه با برگزاری جشنهایی در میان تجار و اصناف شهر بود. از طرف دست‌اندرکاران کارخانه ریسباف میرزا محمدعلی کازرونی جشنهایی برپا کردند. مراسم مشابهی هم در کلیسای وانک صورت گرفت.<sup>۲۲</sup>

در خرداد ۱۳۱۴ ش. / ژوئن ۱۹۳۵ م.، استفاده از کلاه جدید در میان رؤیسان و کارمندان دوایر دولتی و نمایندگان انجمنهای بلدی و دیگر شهروندان رایج گردید.<sup>۲۳</sup> در آن روزها، روزنامه‌های شهر نیز با تفصیل تمام آداب استفاده از این کلاه تازه را بیان می‌کردند. مواردی مانند استفاده از کلاه در اماکن مختلف، ادای احترام به وسیله کلاه متناسب با شأن افرادی که با آنان برخورد می‌شد، استفاده از کلاه در اتومبیل، کالسکه و...، به طور مفصل بیان می‌شد.<sup>۲۴</sup> مسئله دیگری که شایسته است در بحث متحدالشکل سازی البسه به آن پرداخته شود، مشکلاتی بود که در زمینه اجرای این قانون برای روحانیون شهر پیش آمد. اصفهان از دیرباز دارای حوزه‌ها و مدارس دینی زیادی بود. در دوره پهلوی اول، روحانیون و طلاب زیادی در شهر حضور داشتند. برطبق این قانون، روحانیون در صورتی از قانون اتحاد شکل لباس مستثنا می‌شدند که دارای اجازه‌نامه اجتهاد از مراجع تقلید می‌بودند و البته شرط سنی نیز در داشتن مجوز منظور می‌گردید.<sup>۲۵</sup>

در سال ۱۳۰۸ ش. / ۱۹۲۹ م.، مراجع تقلید اصفهان عبارت بودند از آقایان: فشارکی، سیدالعراقین، بروجردی، نجف‌آبادی، شیخ محمدرضا، حاج سید محمدصادق، سید اسدالله چهارسوقی، احمد اصفهانی و دهکردی.<sup>۲۶</sup> برای اخذ ورقه جواز لباس روحانیت، پرسشنامه‌هایی به حضور مراجع تقلید می‌بردند تا در مورد اجتهاد آنان اظهارنظر بشود.<sup>۲۷</sup>

وزارت معارف نیز، هر از گاهی امتحاناتی از طلاب و محدثین برگزار می‌کرد تا آقایان با توجه به نمره اخذ کرده، دارای جواز لباس روحانیت گردند.<sup>۲۸</sup> و هر ساله تعدادی از این مجوزها صادر می‌شد.<sup>۲۹</sup> چند وقت یک بار هم در آن مجوزها تجدیدنظر می‌شد.<sup>۳۰</sup>

سیاست دولت و حکومت اصفهان بر آن بود که تا می‌توانستند از جمعیت روحانیون شهر بکاهند.<sup>۳۱</sup> در اثر اجرای این اقدامات، حوزه‌های طلبگی در هم ریخت و شماری از مدارس دینی خالی از سکنه شد؛ به طوری که حجرات بعضی از مدارس مهم راه، اداره فرهنگ و اوقاف اصفهان برای انبار کالا به کسبه بازار اجاره داد.<sup>۳۲</sup>

البته این اقدامات، با اعتراضات شدید روحانیون شهر و واکنشهای حکومت همراه بود<sup>۳۳</sup> و ایشان در سخنرانیهای خود در بالای منابر، اقدامات رضاشاه را مورد انتقاد قرار می‌دادند.<sup>۳۴</sup>

روحانیونی که ورقه مجوز لباس روحانیت داشتند، موظف بودند در شهر همواره برگه مجوز خود را همراه داشته باشند، وگرنه با مشکلاتی مواجه می‌گردیدند.<sup>۳۵</sup> مثلاً علاوه بر دخالت شهربانی، در ادارات مالیه، پستخانه و تلگرافخانه و ثبت اسناد و مدارس، کسی به کار آنها رسیدگی نمی‌کرد. این بود که هیچکس نمی‌توانست بدون اجازه از لباس روحانیت استفاده کند.<sup>۳۶</sup>

حتی روحانیونی که از عتبات یا دیگر شهرها به اصفهان سفر می‌کردند و جواز لباس روحانیت

## ◆ پی‌نوشتها

- ۱- سید محمدحسین منظورالاجداد، *سیاست و لباس اسناد متحدالشکل شدن البسه ۱۳۰۷-۱۳۱۸* (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۸۰)، صص ۳-۴.
- ۲- همان، ص ۴.
- ۳- همان، ص ۵.
- ۴- همان، صص ۵-۶.
- ۵- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۱۰۰۱۲۴۹، محل در آرشیو ۷۰۵ ط ۴ آج ۱.
- ۶- همان، شماره سند ۲۹۲۰۰۶۵۹۶، محل در آرشیو ۷۰۹ ن ۳ آج ۱.
- ۷- همان، شماره سند ۲۴۰۰۰۰۶۱۰، محل در آرشیو ۴۱۰ آ ۴ آ؛ ۱۱۲۰۲۰۱۲، محل در آرشیو ۶۱۶ ط ۲ آج ۱.
- ۸- همان، شماره سند ۲۹۱۰۰۸۵۰۸، محل در آرشیو ۸۳۷ ه ۴ آ؛ ۱۰۲۰۱۳، محل در آرشیو ۶۱۷ ط ۲ آج ۱.
- ۹- همان، شماره سند ۲۹۱۰۰۰۳۳۳، محل در آرشیو ۷۱۵ ط ۳ آج ۱.
- ۱۰- همان، شماره سند ۲۹۱۰۰۲۲۹۸، محل در آرشیو ۲۸ ط ۳ آج ۱.
- ۱۱- همان، شماره سند ۲۹۱۰۰۰۹۲۹، محل در آرشیو ۸۳۸ ط ۳ آج ۱.
- ۱۲- همان، شماره سند ۲۹۱۰۰۲۷۷۴، محل در آرشیو ۲۱۱ ط ۵ آج ۱.
- ۱۳- *اسنادی از انجمنهای بلدی تجار و اصناف - ۱۳۰۰* ۱۳۲۰ ش. (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰)، جلد ۱، صص ۳۵۹-۳۶۰.
- ۱۴- همان، ص ۳۶۱؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۱۰۰۸۵۰۸، محل در آرشیو ۸۳۷ ه ۴ آج ۱.
- ۱۵- همان، شماره سند ۲۹۳۰۰۲۴۲، محل در آرشیو ۳۱۸ ط ۲ آج ۱.
- ۱۶- *اسنادی از انجمنهای بلدی تجار و اصناف*، جلد ۱، صص ۳۱۷-۳۱۸.
- ۱۷- مهدی نفیسی، *نبض حیات*، به کوشش نسرين نفیسی،

شهرهای مبدأ را همراه داشتند، برای ملبس بودن به لباس روحانیت در مدت اقامت خود در شهر اصفهان، نیازمند اخذ مجوز تازه بودند.<sup>۳۷</sup>

در این میان، شدت گرفتن سختگیرها و جلوگیری از برگزاری مراسمهای مذهبی مثل عزاداریها، موجب شد تا بسیاری از روحانیون با مشکلات مالی فزاینده‌ای روبرو گردند.<sup>۳۸</sup> به همین دلیل، شماری از ایشان که از قانون متحدالشکل سازی البسه پیروی کردند، در عوض متقاضی کار در ادارات دولتی شدند.<sup>۳۹</sup>

در سال ۱۳۱۵ ش. / ۱۹۳۶ م.، روحانیونی مانند سیداحمد صدرعاملی، اسدالله مانیان و جمال‌الدین امامی، با قبول قانون متحدالشکل سازی البسه و خلع لباس روحانیت، به واسطه عسرت و مضیقه در امر معاش، خواستار اشتغال در کارخانه‌های وطن و زاینده‌رود اصفهان شدند.<sup>۴۰</sup>

در مواردی نیز اهالی اصفهان، به روحانیونی که از قانون متحدالشکل سازی البسه پیروی نکرده بودند، معترض می‌شدند.<sup>۴۱</sup>

## نتیجه

اجرای طرح متحدالشکل کردن البسه، با واکنشهای متفاوت اقشار مختلف مردم اصفهان روبرو شد. روحانیون، مهم‌ترین مخالفان اجرای طرح بودند. زیرا اجرای این برنامه، یکی از راههای اصلی بود که دولت با استفاده از آن، می‌توانست بر فشارهای وارده خود بر روحانیون بیفزاید. افزون بر روحانیون، برخی از اصناف همانند عباپافان در صف مخالفان طرح قرار گرفتند؛ زیرا ممنوعیت استفاده از عبا، کار و پیشه را از آنان گرفت. البته بعضی اقشار مانند تجار، با این طرح همراهی کردند. سرانجام طرح یاد شده با اقدامات گسترده دولت، در اصفهان به مرحله اجرا درآمد و غالب مردم، به اجبار یا اختیار از آن قانون پیروی کردند.



- چاپ اول (اصفهان: نقش خورشید، ۱۳۸۰)، ص ۱۳۲.
- ۱۸- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۱۰۰۲۳۰۶، محل در آرشیو ۸۳۴ظ ۳ آج ۱.
- ۱۹- هرمان نوردن، *زیر آسمان ایران*، ترجمه حسین سمیعی (تهران: دانشگاه تهران، ۲۵۳۶)، ص ۱۱۷.
- ۲۰- مجله *باختر*، شماره ۸ (بخش ضمیمه این شماره).
- ۲۱- *اخگر*، شماره ۱۰۴۶ (۲۲ خرداد ۱۳۱۴)، ص ۳؛ *اخگر*، شماره ۱۰۴۷ (۶۲ خرداد ۱۳۱۴)، ص ۳.
- ۲۲- مجله *باختر*، سال دوم (تیرماه ۱۳۱۴).
- ۲۳- *اخگر*، شماره ۱۰۴۷ (۲۶ خرداد ۱۳۱۴)، ص ۳؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۳۰۰۴۷۳۵، محل در آرشیو ۳۸ غ ۵ ب آ ۱.
- ۲۴- *اخگر*، شماره ۱۰۵۸ (۶ مرداد ۱۳۱۴)، صص ۱-۲.
- ۲۵- منظورالاجداد، پیشین، صص ۵۵ و ۶۳.
- ۲۶- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۰۰۰۳۱۳۱، صص ۱۰۴.
- ۲۷- منظورالاجداد، پیشین، ص ۱۳؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۱۰۰۳۶۹۲، محل در آرشیو ۱۳ غ ۱۲ آج ۱.
- ۲۸- منظورالاجداد، پیشین، صص ۳۳، ۳۹، ۶۸ و ۶۹؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۰۰۰۳۱۳۰، محل در آرشیو ۳۲۹ و ۵ آب ۱.
- ۲۹- همان، شماره سند ۲۹۱۰۰۲۰۱۲، محل در آرشیو ۱۶ غ ۲ آج ۱؛ ۵۳۵۵، محل در آرشیو ۲۹۳ ن آب ۱؛ ۰۹۷۱، محل در آرشیو ۸۴۰ ط ۳ آج ۱؛ ۰۱۰۱۳، محل در آرشیو ۲۱۳ ط ۴ آج ۱.
- ۳۰- همان، شماره سند ۲۹۱۰۰۲۵۸۳، محل در آرشیو ۲۰ غ ۴ آج ۱؛ ۲۵۶۲، محل در آرشیو ۵۳۹ ط ۴ آج ۱؛ ۲۵۸۰، محل در آرشیو ۱۷ ط ۶ آج ۱؛ ۲۲۵۸، محل در آرشیو ۷۶۶ ظ ۳ آج ۱؛ منظورالاجداد، پیشین، ص ۴۶.
- ۳۱- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۱۰۰۳۵۳۴، محل در آرشیو ۳۳۶ غ ۴ آج ۱؛ منظورالاجداد، پیشین، صص ۷۰-۷۱.
- ۳۲- جلال‌الدین همائی، *تاریخ اصفهان* (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵)، ص سی و پنج.
- ۳۳- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۱۰۰۱۳۶۰، محل در آرشیو ۳۰۶ ط ۵ آج ۱؛ ۲۵۸۵، محل در آرشیو ۱۷ ط ۶ آج ۱؛ ۳۳۷۵، محل در آرشیو ۱۶ غ ۵ آج ۱؛ ۲۴۹۲، محل در آرشیو ۴۱۹ ط ۴ آج ۱.
- ۳۴- *تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد* (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸)، ص ۱۰۴.
- ۳۵- همان، ص ۵۶.
- ۳۶- نصرالله سیف‌پور، *آئینه عبرت*، به کوشش علی دهباشی (تهران: سخن، ۱۳۷۸)، ص ۶۳۵.
- ۳۷- منظورالاجداد، پیشین، صص ۳۸، ۵۴ و ۲۷.
- ۳۸- همان، صص ۴۴ و ۴۹.
- ۳۹- همان، ص ۴۴؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۱۰۰۳۱۷۰، محل در آرشیو ۴۵۶ غ ۲ آج ۱؛ ۲۸۸۳، محل در آرشیو ۳۰۲ غ ۱ آج ۱.
- ۴۰- همان، شماره سند ۲۹۱۰۰۲۵۶۰، محل در آرشیو ۵۳۷ ط ۴ آج ۱؛ ۲۱۹، محل در آرشیو ۸۱۸ ظ ۳ آج ۱.
- ۴۱- همان، شماره سند ۲۹۱۰۰۲۶۱، محل در آرشیو ۴۳ ط ۱ آج ۱.

